

ارزنده‌ترین کاری که تاکنون، بشری، درباره نوع بشر انجام داده است، همان خدمات گرانبها، پیامبران آسمانی می‌باشد آنان با تعالیم عالی و فداکاریهای بی‌مانند خود، توانسته‌اند سعادت و خوشبختی بشر را در هر دو جهان، تأمین نمایند، و پایه‌های تمدن جامعه انسانی را پی‌ریزی کنند

اگر بشر با تعالیم آسمانی آشنا نبود، و آموزگاران آسمانی برای تعلیم و تربیت او گمارده نمی‌شدند، قطعاً از تکامل فکری و عقلی، و دیگر مظاهر تمدن فرسنگها دور می‌ماند

کافی است که در این باره به نقاط دور افتاده جهان که پای پیامبران آسمانی به آن نقاط نرسیده است و مردم آن جا از تعالیم آنان بوئی نشنیده‌اند، سری بزنیم و وضع روحی و تکامل فکری و اخلاقی آنان را ارزیابی نمائیم.

از آنجا که ارزش کار آنان بالاتر از آن است که جامعه انسانی قادر به جبران آن باشد، منطبق تمام پیامبران در تمام ادوار رسالت‌ها این بود که:

«وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عِلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (آنان چنین می‌گفتند): من از شما اجر و پاداش نمی‌خواهم اجر من بر خدای جهانیان است

قرآن مجید این منطق را از پیامبران و الامامی مانند نوح، هود، صالح، لوط و شعیب نقل میکند (۱) همچنین خداوند شخصیت بزرگ جهان بشریت را



سوره فرقان  
آیه ۵۷

## پاداش رسالت

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَهِيٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

: بگو من برای رسالت خود اجر و پاداش نمی‌خواهم مگر آن کس را که به سوی پروردگار خود راهی اتخاذ کند.

۱- به سوره شعراء آیات ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۲۵، ۱۶۲، ۱۸۰ مراجعه فرمائید

بگو اجری را که از شما خواسته ام به نفع خود  
شما است، اجر واقعی من بر خداست او بر همه  
چیز شاهد و گواه است

صریح آیه این است که همان پیامبر گرامی که  
می گوید پاداش من بر خدا است، اذامت چیزی  
را خواسته که ظاهر آن اجر و پاداش است ولی  
باطن آن عملی است که نفع آن به خود است باز  
می گردد.

اکنون ببینیم در کدام آیه يك چنین درخواستی  
انجام گرفته است. در مجموع قرآن دو آیه بیش  
نداریم که پیامبر به دستور خداوند در برابر رسالت  
خود، اجر و پاداش طلبیده است یکی از این دو آیه،  
آیه مورد بحث است که می فرماید:

**«قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مِنْ شَاءِ  
أَنْ يَتَّخِذَ الْوَلِيُّ بِهِ سَبِيلًا» (۲)**

بگو من بر رسالت خود مزد و پاداش نمی خواهم  
مگر کسی را که به سوی پروردگار خود، راهی پیدا  
کند.

مقصود از جمله «أَنْ يَتَّخِذَ الْوَلِيُّ بِهِ سَبِيلًا»  
هر کار نیکی است که انسان را به سوی خدا رهبری  
کند یعنی مزد و پاداش من این است که شما راه خدا  
را پیش گیرید، و از او اطاعت و پیروی کرده از فرمان  
او سرپیچی ننمائید.

و به هجرت دیگر اسلام و ایمان شما بزرگترین

با جمله زیر خطاب نموده می فرماید:  
**«وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ  
لِّلْعَالَمِينَ» (۱)**

هرگز از آنان اجری نمی خواهی و قرآن جز-  
پادآوری برای جهانیان، چیزی نیست.

از این گذشته، انتظار اجر و پاداش از مردم، با اخلاص  
و پیراستگی عمل از هر نوع انگیزه مادی سازگار  
نیست زیرا کاری که برای خدا است و به فرمان او-  
انجام می گیرد اگر دارای اجر و پاداش است باید  
بر عهده خود او باشد، اگر غیر این بود و فداکاری  
پیامبران به منظور منافع مادی انجام می گرفت، دیگر  
کار آنان در پیشگاه الهی قرب و ارزشی نداشت

از این جهت همگی می گویند: **«ان اجری الاله  
علی رب العالمین»** : مزد و پاداش من بر خداوند  
جهانیان است

\* \* \*

از برخی از آیات استفاده می شود که پیامبر گرامی  
در مقابل خدمات ارزنده خود، از مردم چیزی را  
به صورت مزد و پاداش طلبیده است ولی باید توجه  
داشت که ظاهر آن، مزد و پاداش است اما در باطن سود  
آن به خود است باز می گردد آنجا که می فرماید:

**«قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ  
إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (سبا  
آیه ۲۷)**

۱- سوره یوسف ۱۰۴

۲- به حسب ظاهر لفظ «الامن» استثناء از اجر است ولی از آنجا که «اجر» جنبه فعلی و عملی دارد و  
«من» کنایه از انسان است و چنین انسانی داخل در اجر نیست تا از آن خارج شود، مؤلف «کشاف» می گوید:  
در آیه قبل از لفظ «من» لفظ «فعل» مقدر است به صورت: «والا فضل من اتخذ»

آرزو و اجر و مزد من است، و چنین پاداشی پیش از آن که به نفع پیامبر باشد، صد درصد به نفع خود پیروان اومی باشد از این جهت فرمود:

قل ما سألکم من اجر فهو لکم (سبأ - ۴۷)

پاداشی که طلبیده‌ام به سود شما است یک چنین تعبیر، اختصاص به قرآن ندارد، بلکه در مکالمات روزمره مانیز، چنین تعبیرهایی وجود دارد.

مثلاً: پدری، ثروتی را در اختیار فرزند خود می‌گذارد که با آن کسب کند و زندگی خود را بگذرد. آمدن آن تأمین نماید، در این موقع روبه فرزند می‌کند و می‌گوید: من در مقابل این عمل از تو چیزی نمی‌خواهم جز این که ارزش این مال را بدانی و آن را ضایع مکنی و از آن به نفع خود استفاده بنمائی. درست است که پدر در این موقع از فرزند خویش اجر و پاداش می‌طلبد اما آنچه را که پدر از فرزند می‌خواهد پیش از آن که به نفع پدر باشد به سود فرزند است که قدر ثروت مورد وثوقی پدر را بداند و آن را تلف و ضایع نکند.

فرض کنید نیکوکاری مقدمات تحصیل فردی را فراهم می‌کند و در این راه رنج و زحمت می‌کشد، سرانجام روبه آن شخص می‌کند و می‌گوید: من از این کار اجر و مزدی نمی‌خواهم جز این که تو عالم و دانشمند شوی و در جامعه عزیز و گرامی باشی.

یا اینکه پزشکی بطور رایگان بیماری را معالجه می‌کند و نسخه‌ای برای اومی نویسد و می‌گوید: من اجر و مزدی نمی‌خواهم جز اینکه به این نسخه عمل کنی و بهبودیابی.

یک چنین تعبیر کتابه از نهایت علاقه پدر به سعادت فرزند و پاپاز هک و مرد نیکوکار به شخص مورد نظر خود می‌باشد.

البته مقصود از لفظ «سبأ» هر نوع عمل نیکی است که راهی به سوی خدا شمرده شود، یعنی چیزی که انسان را به سوی خدا رهبری نموده و در مسیر رضایت او قرار دهد.

بنابراین ایمان و اعتقاد، عمل صالح و کردار نیک، محبت به اولیاء و پیامبران، مودت و دوستی به خاندان رسالت که مشمل‌های فروزان هدایت و پیشوایان معصوم و حجت‌های الهی هستند، همگی از مصادیق اتخاذ سیلی است که در این آیه وارد شده است و چیز تازه و جداگانه‌ای غیر از آنچه در این آیه آمده است، نمی‌باشد.

زیرا تحکیم پیوند دوستی با آنان راهی است به سوی خدا و از دو نظر به نفع ما است:

اولاً: انس و الفت و ارتباط با خاندان علم و دانش، خود سبب می‌شود که بسیاری از عقده‌های دینی ما گشوده گردد و آنچه را که نمی‌دانیم یاد بگیریم. طبعاً کسانی که از این خاندان دورند و پیوندی با آنان ندارند، از چنین فیض محروم بوده در بسیاری از مشکلات دینی باید به افرادی مراجعه کنند که به هیچ وجه قول و نظر آنان حجت و سند نیست.

ثانیاً: عشق و علاقه به خاندان عصمت، خود به خود انسان را از گناه و نافرمانی تاحدی بازمی‌دارد زیرا معنی ندارد کسی انسان را از صمیم دل و تا سرحد عشق دوست بسازد، اما عملاً با او به مخالفت برخاسته و اموری را که محبوب او از آنها سخت

